

گام به گام در جست‌وجوی احساس تعلق در هر کوی و برزن

زنان چرا و چگونه به سمت
آسیب‌های اجتماعی می‌روند و
راهکار نجات آن‌ها چیست؟



عکس: مرضیه میرزاد | شهرآرا



متأسفانه این روزها هرکدام از ما ممکن است بارها زنانی را دیده باشیم که در گوشه خیابان روی یک تکه پلاستیک یا کارتن خوابیده‌اند، افرادی که آثار مصرف مواد مخدر جوانی و شادابی‌شان را به سیاهی تبدیل کرده است. به‌واقع علت چیست و چگونه می‌توان به بانوانی که اسیر این بلای خانمان سوز شده‌اند کمک کرد؟

ارتباط‌هایی که در نبود تعامل ریشه دارد

آمارهای اجتماعی به‌دست آمده از پژوهش‌های اجتماعی به‌ویژه در حوزه آسیب‌های اجتماعی زنان مؤید این امر است که غالباً آسیب‌های اجتماعی در میدان تعامل فرد با دیگران ریشه دارد. اگرچه بیشتر والدین گمان می‌کنند رفتارهایی متناسب با وظیفه‌شان در حد امکانات و شرایط خود بروز داده‌اند، پژوهش‌ها حاکی از آن است که چنین ارزیابی‌ای با واقعیت اجتماعی چندان تطابق ندارد. در مواردی هم که افراد مهر و توجه متناسب و کافی را از خانواده دریافت نکرده‌اند و با چالش گم‌گشتگی فردی در زندگی اجتماعی روبه‌رو شده‌اند، سعی نکرده‌اند با اتصال به گروه دوستان و هم‌سالان یا سایر افراد اجتماعی، دیگران مهم‌تازه‌ای را برای خود به دست آورند تا به کسانی یا جایی احساس تعلق کنند. انسان موجودی اجتماعی است که هویت فردی خود را در زمینه هویت اجتماعی ارزیابی می‌کند و در میدان مقایسه اجتماعی دیگران را ارزیابی می‌کند. هم‌چنین از سوی همان‌ها که ارزیابی‌شان کرده است ارزیابی می‌شود.

به حاشیه رانده شدن از سوی خانواده

تجربه اجتماعی می‌گوید: مصرف مواد مخدر یکی از ابزارها برای کسب تجربه متفاوت از زندگی در زمینه دیده و تحسین شدن است همان‌گونه که هستند. به عبارتی، گرفتن پذیرش اجتماعی از اطرفیان یا حتی دور کردن موقت حس جدا ماندگی و انزوای تهی از مهر و نادیده گرفته شدن. اگرچه بازار مواد مخدر فارغ از جنسیت و سن، قربانیان خود را جذب می‌کند، آنچه نباید از نظر دور داشت این است که زنان فرودست غالباً در معرض آسیب بیشتری هستند و این فرودستی را نباید به توان اقتصادی تقلیل داد. از هر طبقه اجتماعی، حتی طبقه اجتماعی بالا و فرادست نیز جذب بازار مخدر می‌شوند. این فرودستی در اینجا اشاره دارد به نادیده گرفته شدن، به حاشیه رانده شدن از سوی خانواده و همان یار مهربان یا جامعه بزرگ‌تر. حتی در مواردی که افراد به دلیل کم‌توانی اقتصادی و تجربه رنج‌های ناشی از فقر به اعتیاد گرایش دارند، ریشه‌هایی از ندیدن توجه

متناسب با هویتشان از سوی خانواده، اجتماع و سایر نهادهای اجتماعی وجود دارد. اما آیا این بی‌توجهی فقط در مسیر جذب شدن به مصرف مواد مخدر وجود دارد یا در فرایند ترک کردن و رهاشدگی از مصرف نیز مشاهده می‌شود؟

درمان غیرقطعی پیامد ارائه مسیر نامتناسب است

احتمالاً در حضورهای اجتماعی تان با تابلوهای مراکز ترک اعتیاد روبه‌رو شده‌اید. با وجود چنین مؤسسه‌ای، چرا هم‌چنان تعدادی به مصرف مواد باز می‌گردند و چرا این آسیب اجتماعی هنوز قربانی می‌گیرد و مبتلا می‌کند؟ آیا سم‌زدایی از بدن و مشاوره‌های یک‌سویه ابرازی کافی در برابر حذف این بیماری اجتماعی هستند؟ آیا فرد با بازگشت به شرایط جسمی پیش از مصرف مواد، از توجه و مهر خانوادگی و اجتماعی بهره‌مند می‌شود؟ آیا تا به حال به این اندیشیده‌اید که اگرچه اعتیاد جنسیت نمی‌شناسد، فرایند بهبودیافتگی و رهایی از آن چگونه می‌تواند با نادیده گرفتن جنسیت و مواجهه یکسان با دو جنس زن و مرد و ارائه درمان‌های مشابه، فرایند بهبودی را با مشکل روبه‌رو سازد و منقطع کند؟ زنان مانند مردان به بازار مصرف مخدر گره می‌خورند. ممکن است چرایی یا میزان آن متفاوت باشد اما غالباً چگونگی آن یکسان است. ممکن است دلایل تفاوت‌هایی ظاهری داشته باشند اما غالباً در ریشه‌ها به نبود دریافت توجه متناسب با شخصیت فردی و نبود تعلق و متعاقباً احساس سرخوردگی اجتماعی می‌رسیم. آنچه در اینجا اهمیت دارد این است که زنان در مرحله بهبودیافتگی از جنسیت خود تأثیر می‌پذیرند به این معنی که فاکتورهای اجتماعی جنسیت زنانه و نحوه برخورد جامعه با یک زن معتاد یا زن بهبود یافته از اعتیاد یا مردی در همین شرایط متفاوت است. آموزه‌های اجتماعی چنین بوده است که مصرف مواد مخدر در نگاه عمومی برای مردان پذیرفته‌شده‌تر است تا برای زنان. احتمالاً شمانیز مانند من بسیار شنیده‌اید که وقتی مردم درباره اعتیاد یک مرد صحبت می‌کنند غالباً می‌گویند «فشارهای زندگی از تحملش خارج بود» یا «خیلی تحت فشارهای اقتصادی بود». اعتیاد اگرچه در نمای کلی امری پذیرفته‌شده نیست، در حالت ارزیابی اجتماعی غالباً برای مردان پذیرفته‌شده‌تر است. کمتر می‌شنوید یا اصلاً نمی‌شنوید که در ارزیابی چرایی مبتلا شدن یک زن به اعتیاد از عبارات فشارهای اقتصادی و نظایر آن استفاده شود. نزد جامعه، اعتیاد برای زن ناپذیرفته‌تر و برای مرد پذیرفته‌شده‌تر است. یعنی اعتیاد از منظر عمومی چهره‌ای مردانه دارد زیرا زن به عنوان عامل محافظ جنین و پرورش دهنده نسل غالباً باید سلامت و دور از

آسیب‌های جسمانی باشد. یعنی وقتی به مبحث اعتیاد زنان ورود می‌کنید غالباً به سلامت جسم بیش از سلامت روان و ذهن ارجاع داده می‌شوید. همین نگاه بر فرایند بهبودیافتگی زنان مبتلا بر اعتیاد نیز اثرگذار است. غالباً مردان بهبودیافته با تشویق و حمایت بیشتری روبه‌رو می‌شوند و تهمت زدن از زن مبتلا به اعتیاد که در مرحله بهبودیافتگی قرار دارد مسیری چالش برانگیز است که غالباً حتی از سوی خانواده فرد نیز قابل درک نیست. الزام افزایش آگاهی عمومی درباره چرایی توجه به جنسیت در فرایند درمان فرد مبتلا به مصرف مداوم مواد مخدر نکته مهمی است که از سیاست‌گذاری‌های عمومی حوزه آسیب‌شناسی اجتماعی چه در قانون خانواده چه در سایر میدان‌های اجتماعی جامانده است. نگاه مردانه به فرایند درمان اعتیاد در زنان شاید بتواند سم‌زدایی، دارودرمانی و ترخیص از کلینیک یا کمپ را در پی داشته باشد اما بی‌توجهی به جنبه‌های زنانه هویت یک زن بهبودیافته شکافی در میان بهبودیافتگی جسمی و ذهنی ایجاد می‌کند که مانع از تکمیل فرایند درمان است.

بهبودیافتگی ذهنی زنان درگیر مواد مخدر

امکانات و محدودیت‌هایی که هویت زنانه در جامعه تجربه می‌کند می‌تواند در صورت نادیده گرفته شدن در فرایند بهبودبخشی به چالشی مستمر برای ابتدای مجدد زنان تبدیل شود، آنچه در مواجهه با مبتلاشدگان پس از ترک اولیه، هم‌چنان در حوزه زنان با آن روبه‌رو هستیم. اعتیاد اگرچه در ابتدا چهره‌ای زنانه ندارد اما در فرایند درمان قطعی به تمهیدات بر مبنای در نظر داشتن هویت اجتماعی زنانه نیاز مبرم دارد، به‌ویژه در حوزه خانواده که زنان علاوه بر تبعیض‌های اجتماعی مردانه با موضع گیری‌های زن‌ستیزانه از سوی زنان زن‌ستیز نیز که از قضا دیگران مهم‌زندگی‌شان هستند روبه‌رو می‌شوند. عدم حمایت‌های اجتماعی کافی از سوی نهادهای اجتماعی و به حاشیه رانده شدن از سوی خانواده، زنان را به چرخه معیوب مصرف مواد مخدر برای درمان احساس عدم تعلق به عنوان انگیزه‌ای برای زندگی سالم باز می‌گرداند. حمایت عاطفی از اساسی‌ترین ابزارهای فرایند بهبودبخشی و ماندن در شرایط بهبودیافتگی ذهنی برای هویت فردی و حمایت اجتماعی از سوی نهادهای مرتبط اساسی‌ترین ابزار برای بازتوانی هویت اجتماعی عاری از مواد مخدر برای زنان است. اگرچه این حمایت عاطفی از سوی خانواده امری ضرور است، از ضرورت حمایت اجتماعی نهادی و توانمندسازی نیز نمی‌کاهد.



مهتاب
علی نژاد

دکتری
جامعه‌شناسی

هنگامه

۲۹ شهریور ۱۴۰۱
۱۶ مرداد ۱۴۴۴ شماره ۲۴۴۵

(۳)

شهربانو